

# شجرہ مبارک غوث بہ الدین زریا رحمۃ اللہ

الحمد لله رب العالمين الذي خلق السموات والارض في ستة ايام وجعل  
الشمس ضياء والقمر نورا وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب  
كل شيء فضلنا تفصيلا وصلاة والسلام على خير خلقه محمد بن المصطفى  
صلى الله تعالى عليه وسلم وعلى آله واصحابه وذوكر الاحترام منظم من  
السلام رضوان الله تعالى عليهم اجمعين -

اما بعد سيكويد اضيق الحيا د اميد وار فضل و رحمت  
قادر لم يزل بربہ در گاہ محمد افضل کہ ابا و جلا حقوق الودت صدق بندگی  
و شرف شیعہ خودگی و نیک پروردگی در خدمت اولاد قدرۃ الوارثین  
عمدة الکاملین مرشد الطالبین غوث السلام و المسلمین -  
بندگی حضرت بہاؤ الدین ذکریا قدس اللہ سرہ العزیز در دل



و جان این بنده نیازمند مال مال بود - لاجرم از غلبه صدق نیت و انتقاد و اتفاق  
بر اس افتاد که یک رساله از کتب مقبره و صحیح ترجمه نمود برای دنیا و نجات  
آخرت و عقوبی از طریق اختیار بایق سازد و بجا بوان - از سیفۃ الاولیاء و از  
مکمل ترمذی و تاریخ سلوک و دیوی و خلاصۃ الفقہ و شجره مبارک خند و شیخ  
بیاض الدین ذکر یہ قدس سرہ ذکر گئے سیوم و بیان حسب نسب حضرت خند  
شیخ بیاض الدین ذکر یہ و فرقہ ارادت بدانکہ خلافت ایشان از شیخ شهاب  
الدین سمروردی کنیت ایشان ابو محمد و جرات و نام ایشان بیاض الدین بن  
محمد ثوث و در سیفۃ الاولیاء نام ایشان و حبه الدین نوشته است بن  
کمال الدین بن ابی بکر بن سلطان جلال الدین بن سلطان علی قاضی بن  
شمس الدین کمر و روکی از تولد ایشان در کمر و روکی بوده است بن سلطان حسین  
که همراه سلطان محمود کبک بن بلیکین از خوارزم آمده اند -  
بن سلطان بن عبد الله بن سلطان مطرف بن خنجر بن اسیر بن اسیر بن  
بن اسیر بن الدین که از عرب به خوارزم آمده بود بن اسیر بن اسیر بن اسیر بن  
بن عبد الرحمن بن بہار بن اسیر بن اسیر بن اسیر بن اسیر بن اسیر بن  
بن کلاب بن مرہ بن کعب بن لوی بن مالک بن فہر بن مالک بن



تعالی یومنا محو است و تقایست قائم خواهد بود خصوصاً تاریخ تولد مبارک  
بیت بتاریخ تولد غوث اعظم - دراز بحر قدم آمد لبعالم یعنی پانصد و شصت  
و پنج میشود تاریخ وفات آنحضرت رحمة الله علیه میشود - بیت ز تاریخ  
وفات غوث پیرم - ز عاشق و صادق آمد در ضمیمه - بدانکه حضرت  
مقدم شیخ بهاء الدین ذکر یا - بهفت فرزند داشت فرزند اول خدا  
شیخ صدر الدین عارف بالله فرزند دوم مولانا فروغ الدین  
فرزند سوم مولانا شمس الدین - فرزند چهارم مولانا شهاب الدین  
فرزند پنجم مولانا علی الدین فرزند ششم مولانا ببر الدین فرزند  
هفتم مولانا ضیا الدین و حضرت صدر الدین عارف بالله کیفیت  
الایشان ابوالعالم و خلف رشید پدر بزرگوار بود جانشین صاحب  
سجاده مرید پدر خود شیخ بهاء الدین ذکر یا بودند و ششده سال  
بادشاد مریدین و ملائک خود اشتغال داشتند و چندین  
از شاخ متاخرین از مریدان ایشان صاحب کمال بوده اند  
چون شیخ جمال الدین المعروف جمال درویش در آنجا مبارک  
و نشین صلوح الدین درویش و شیخ عطاء الدین در آنجا حصار



نفسه بن و بقی قریشی از بطرین کفانه ملقب شده است و والده و جده  
ایشان حضرت بی بی فاطمه زهرا بنت شیخ عیسی بن عبد الطیف بن شیخ محمد  
بن شیخ عبد الله بن شیخ احمد بن شیخ معبر بن شیخ ابوالفضل  
بن شیخ الاسلام محبوب سجانی غوث الهمدانی شیخ عبد القادر میلانی  
قدس سره حضرت شیخ بیا و الدین زکریا فرقه و خلعت از پیر خود  
شیخ المشور شیخ شهاب الدین سهروردی پویشده اند و ایشان از غم  
خود شیخ بو نجیب سهروردی و ایشان از غم خود شیخ و صبه الدین محمد و  
ایشان از پدر خود محمد بن عبد الله المعروف بعمویه تا آخره بالا نوشته  
است از آن معلوم میشود و ولادت حضرت خدو م شیخ بیا و الدین  
زکریا در قلعه کوک کمر و رشتب جمعه نوبت صبح بیست و هفتم ماه رمضان  
سال ۵۵۰ هجری و ششصد و هشتاد و هفت و وفات ایشان روز  
پنجشنبه بیستم ماه صفر بوده و قال اعلمهم هم روز سه سال  
ششصد و هجری و مدت عمر شریف ایشان کلیه سال بوده است  
و دفن ایشان در بلده ملتان انجروں قلعه جہنت در الانان  
ملتان در مقبره ملکان که در خمین و حیات خود بنا فرموده اند



و از هر یاری از سرمدیان ایشان در سال بالعد و سقاده و چهارمیری  
 و نجات ایشان در روز شنبه و اجوبی روز چهارشنبه بهیت  
 سیوم ماه ذی الحجه ششمه و سقاده و چهارمیری بهیت عمر شریف  
 ایشان یکصد و ده سال و قبر مبارک متصل قبر پدر بزرگوار  
 خود در ضلعه شرقی و اقصای و شیخ صدر الدین عارف بالله شریف  
 داشت فرزند اول محمد صم رکن الدین ابوالفتح فیض الله کنیت  
 ایشان ابوالفتح و لقب فیض اله و نام مبارک رکن الدین فرزند  
 دوم اسماعیل شهید و ایشان را شهید از آن گویند که کج  
 خاں بلغار در سلطان میر سلطان محمد تافت آورد که برای پناه  
 جان خود در خدمت حضرت شیخ اسماعیل عرض داشت نمود حضرت  
 شیخ فرمود که برای سلطان محمد بلای تو بر خود گزینم پس در همان  
 جنگ شهید شدند فرزند سیوم شیخ رکن الدین در طفولیت بهجت  
 حق پیوست و حضرت محمد دوم شیخ رکن الدین محمد ابوالفتح فیض الله  
 قدس سره فرزند رشید پدر بزرگوار خود حضرت شیخ صدر الدین  
 عارف بالله بودند و در پنجاه سال بر سجاد پدر خود و جد بزرگوار خود



نشسته تا در بارشاد در میان دلا و لایان راه حق و طریق مستقیم گزینید  
 اند مناقب ایشان و سر العارفین و جامع العاظم مفصل نوشته  
 اند - تولد ایشان روز جمعه بیست و هفتم ماه مبارک رمضان شصت  
 سال و چهل و سیفت هجری و مدت حیات شریف ایشان هشتاد  
 و هشت سال بود - وفات ایشان هفتم ماه جمادی الاول سال سیفت  
 صد و سی و پنج هجری بود - چنانچه عنایت در زبان هندوی در تاریخ و  
 ایشل کیا بیت گفته - بیت ست سی پنجه سیانت متعین ماه  
 جمادی الاول - چوتان سنون و یکی عبادن لیتا شاه چلوی  
 و نام مبارک ایشان در لغت شاه چلوت و غیره میگویند - ذکر  
 بیان حمید و نسب والده مستوره معصومه حضرت شاه  
 رکن عالم بدانکه حضرت بابی راستی پاک درونی والده و غیره  
 حضرت شاه رکن عالم کرده است - و نام پدر ایشان سلطان  
 عبد الرحمن المعروف بنیح جمال الدین فغانه بن سلطان عبد الرحیم  
 بن سلطان عبد الخالق بن سلطان عبد الرزاق بن سلطان  
 عبد الحمید بن سلطان عبد الله احمد بن سلطان تار درین



سلطان عبدالعزیز بن سلطان عبدالستار بن سلطان عبدالعزیز  
بن عبدالملک بن حضرت عثمان عفان رضی اللہ عنہ و شیخ جلال الدین قرطبی  
چون از ولایت و املت کرامت دریافت نمود که بزرگترین جاذبه  
من قلب پیدا خواهد شد - لاجرم شکم قحت و بجز جالانانی  
نریات حضرت قدوة الامم و صلین بنیدگی حضرت مخدوم شیخ بهاول  
الدین ذکریا در ملتان رسید و در هر منزل مقام در راه وارد می شود  
چاه کو کندیده و احداث نموده و لغت و فرمودند - عاقبت لاسیریک  
چاه از وقف مذکور تا حال ساین روضه مستور مطهر حضرت بی بی  
راستی پاکدامن لطف غیری جای است - و سنت معموله است -  
که هر کس از خلق و مریدان از کنار آب شور ککراهه بکشد و غیره از  
تورمات سینه بزیارت می دیند و طواف روضات مقدسه  
می کند و بی بی چاه نیز در غسل غسانه و لایحه پوشاک می شنود  
تا سکه شب در طواف روضات مبارک گزینند و بوی مولا خود می روند  
در روضه متبره حضرت بی بی راستی پاکدامن مقامی پیغمبر است - و بعد  
از اولیاء مکمل در آنجا بگذرد - و مقام تنزی است - و میران



منور ترمی گویند در اقدست بکره آنرا در زبان ملتانی بورد گویند  
از قبر سری که مشیه نوشتیت داشتت - روینده امت و شیخ جمال الدین  
فرزانه را در لمواف کعبه مبارک اتفاقاً با حضرت صدر الدین ملازمت  
میسر میشد - و معلوم کرد که قطب الاقطاب از مملکت شیخ الحق  
صدر الدین عارف بالله پیدا خواهد شد - پیر سید که توکیستی و از  
کجائی و چه نام داری شیخ صدر الدین فرمود که نام من صدر الدین است  
و مولد ملتان - شیخ جمال الدین فرمود که حضرت شیخ بهاؤ الدین را میدانی  
گفت ولد من است پس خود را بشرف حضرت مخدوم شیخ بهاؤ الدین  
زکریا قدس سره مشرف ساخته عافیه معصومه خود را در تقدیم  
حضرت شیخ صدر الدین عارف بالله منعقد نمود - زناات کرده داده و خود  
لبطن مالتوفه مولد رخصت شد - و گفت من این عافیه را مسلمان  
زناات نمودم - روز تریاکت مسلمان میخواهم - و نجات برائی راستی  
پاک دامن علیه الرحمة منتهم ماه رجب واقع شد - تمت بهاؤ الدین  
فرزند دوم شیخ صدر الدین عارف بالله شیخ بهاؤ الدین المعروف شیخ  
اسماعیل شهید - بن شیخ صدر الدین عارف بالله تاسم النبیان



شیخ صدرالدین حاجی بوده است. و شیخ صدرالدین حاجی نیز یک  
فرزند داشت که نام ایشان رکن الدین اسماعیل سمرقندی بوده است  
و شیخ رکن الدین نیز یک فرزند داشت که نام ایشان شیخ عمادالدین  
کنی پور و شیخ عمادالدین کنی پور شش فرزند داشت و فرزند  
اول یوسف شاه و فرزند دوم شیخ صدرالدین صمیم صاحب سمجاده  
امالا ولد. فرزند سوم خواجه غلیل فرزند چهارم میاں فتح الله. ایشان  
یک فرزند داشت میاں اله بخش لاولد. فرزند پنجم میاں شهاب الدین  
و از ایشان دو فرزند. یکی میاں ضیاء الدین لاولد. دوم میاں  
سراج الدین حاجی از ایشان دو فرزند یکی غلیل لکند دوم میاں  
حبیب الله ششم فرزند میاں بنجد لاولد بوده است. و ذکر  
اولاد شیخ یوسف بن عمادالدین کنی پور. بدانکه شیخ یوسف بن  
بن شیخ عمادالدین کنی پور چهار فرزند داشت یکی شهاب الدین  
دوم دلی دوم شیخ شهاب الدین و سیم میاں نعمت الله  
لاولد. چهارم شیخ یحیی از ایشان یک فرزند درخت برهان  
الدین اسماعیل صاحب سمجاده. فرزند هفتم میاں سلطان الدین



شاه عبداللہ کہ در دہلی اسودہ اند چہار فرزند داشت - یکی شاہ نصر اللہ - دوم میاں  
 رکن الدین - سوم میاں محمود شاہ ذکر اولاد شاہ عبداللہ بعد از ذکر شیخ شہر اللہ پیشتر  
 بیان کردہ خواهد شد - ذکر در بیان اولاد شیخ شہر اللہ بہر حصہ منہارت روضات مقدسات  
 تصرف دارند - بد آنکہ شیخ شہر اللہ بن یوسف شاہ سہ فرزند داشت - اول شیخ بہا الدین  
 دوم شیخ صدر الدین سوم شیخ اسماعیل - بد آنکہ شیخ بہا الدین - بن شیخ نعم اللہ  
 دو فرزند داشت یکی یوسف شاہ المعروف لال عین قتال کہ مطابق حکم حضرت شیخ  
 بہا الدین ذکر یا قدس سرہ در خطہ کتب کردہ مولد حضرت محمد دوم بہا الدین  
 ذکر یا بودہ است - و مدفن شیخ و بہا الدین المعروف شیخ فخر غوث کہ والد حضرت  
 محمد دوم شیخ قدس سرہ و ولد شیخ کمال الدین شاہ بن شیخ ابابکر بن سلطان  
 عبداللہ بن سلطان علی بن شیخ شمس الدین بن سلطان حسین کہ خوارزم  
 بکوت کردہ آمدہ متوفی شدہ بود - و شیخ لال عین قتال نیز در کونج  
 کردہ سکونت اختیار کردہ و قبور مبارک ایشان نیز در کونج است -  
 و مقبرہ ایشان در کونج بحسب مقام ہر فیض و با سیرکت است -  
 حال اولاد لال عین قتال در اینجا سکونت دارند - و منہارت مقامات  
 متصرف میباشند - بد آنکہ لال عین قتال سہ فرزند دارد یکی میاں محمد شاہ



لاد ولد دوم میاں حادشہ لاد ولد سوم میاں محمود شاد صاحب اولاد۔  
ذکر اولاد ایشان بعد از ذکر اولاد شیخ کبیر علیہ الرحمۃ بیان خواہند  
- فرزند شیخ کبیر بن شیخ بہاؤ الدین بن شیخ بہاؤ الدین بن شیخ شہر علیہ  
رحمۃ اللہ علیہ۔ بعد از آنکہ شیخ کبیر علیہ الرحمۃ مکمل بن شیخ بہاؤ الدین بن  
شیخ شہر علیہ رحمۃ اللہ سہ فرزند داشت اول شیخ شہر علیہ دوم شیخ فتح محمد  
سوم شیخ محمد قائم صاحب سجادہ و منقول است کہ فرزند مکمل شیخ کبیر  
شیخ شہر علیہ بودہ است۔

اسبب سیر مریدان بہر در رفتہ بعد ایشان وفات شیخ  
کبیر وفات شد و شیخ فتح محمد دستار سجادگی و جالینگی پیر بزرگوار خود  
شیخ محمد قائم وادہ چون شیخ شہر علیہ از سفر باز آمد۔ بعد از تعزیت  
و قاتلہ خوانی مناقشہ و خصومت و دستار سجادگی جالینگی پدر خود  
در پیش کرد و مقام تہ اللہ سجادگی و جالینگی بہر شیخ محمد قائم اند۔ تا حال  
بر اولاد شیخ محمد قائم مستقیم۔ و در فرار است و وفات و سیر خواہست  
از جانب چپ و راست در مکرہ بزرگی نراں اند است۔ ذکر چہارم در بیان اولاد  
شیخ محمد قائم سجادہ نشین و اولاد شیخ فتح محمد و اولاد شیخ شہر علیہ مستقیم



نوشته می شود. و الله ولي التوفيق. بدانکه شیخ محمد قاسم سجاده نشین دو فرزند داشت  
اول شیخ کبیر دوم شیخ خمس الدار محبوب حقانی لا ولد بوده است لیکن در مناقب  
اجمال ایشان قدرتی نوشته می شود که در مجلس بادشاهی شاه جهان حیات بوده  
در بر رویه شاه جهانی کلمه طیب لا اله الا الله محمد رسول الله و اسم اصحاب اصحاب  
کرام آنکه لصدق ابوبکر و عدل عمر و بارز و عثمان بلکی سربک طرف رویه  
سکوک و نقوش می شد طرف دوم بر رویه نام بادشاه جهان  
ابو طاهر محی الدین محمد صاحب قرآن ثانی بادشاه غازی نقوش می شد شاه  
محبوب حقانی به سبب اجتماع حروف قرآن مجید و ضومی نمودند  
و ب صف کلمه لند ~~اسم اصحاب کرام~~ رویه را می نوشتند و معنی گرفتند

بلکه بنظر خود نمی دیدند و اگر شخص به تلاوت قرآن مجید حرفی می خواند و بیع  
مبارک ایشان سمع می شد خود از سبب اجتماع حروف قرآن مجید  
وضومی نمودند. و اگر بر بالا مانده از حروف اسم الهامی باشند همان دم  
تجدید وضومی کردند. در حوالی ایشان مشکها پر آب موجود بودند در لحظه قاضی  
از آب نمی شدند. اندکی بیان کردم و الله بسیار مناقب ایشان سبب ذکر  
اولاد خود و شیخ کبیر ثانی بن شیخ محمد قائم علیه الرحمة و الغفران. بدانکه شیخ محمد  
کبیر ثانی پنج فرزند داشت. اول شیخ بهادر الدین از ایشان یک فرزند



قائم الدین المعروف قائم شاه لا ولد گنده که یک غلام پسرورش نموده بود تا پنجم  
حین و میات محل خود در ملتان گذرانید عاقبت به امر بی مقام در تار شد  
فرزند دوم شیخ ضیاء الدین - فرزند سوم شیخ محمد زمان - فرزند چهارم و پنجم <sup>الدین</sup>  
و از ایشان یک فرزند میاں درایه در عین جوانی وفات یافتند فرزند پنجم  
شیخ محمد باقر کلان - ذکر در بیان اولاد شیخ محمد زمان بن شیخ کبیر ثانی -  
بداند شیخ محمد زمان بن شیخ کبیر ثانی یک فرزند داشت که ذکر در بیان اولاد  
غوث الملک محمد دوم شیخ محمد غوث سجاده نشین و از ایشان دو فرزند - اول شیخ محمد  
بیاء الدین ثانی المعروف به اول شاه دوم شاه محمد زمان المعروف میاں پیران  
مخدوم الملک شیخ بیاء الدین ثانی سه فرزند داشت یکی میاں محمد قائم در  
مغولیت فوت شده المعروف لال شاه دوم غوث الملک محمد دوم شیخ محمد  
سجاده نشین - سوم ولایت شاه در مخدوم محمد غوث یک فرزند یوسف  
در مغولیت فوت شده - از میاں ولایت شاه دو فرزند یکی میاں  
پیر شاه المعروف شیخ بیادون شاه ثانی سجاده نشین - دوم میاں محمد زمان  
المعروف میاں بان شاه - ذکر اولاد شیخ ضیاء الدین محمد بن شیخ کبیر ثانی  
بداند ضیاء الدین محمد بن شیخ کبیر ثانی دو فرزند داشت - یکی شیخ محمد



ذکر یا دوم شیخ عماد الدین محمد از شیخ محمد شاه فرزند پیر کبیر - و از  
 ایشان یک فرزند میان حسین شاه و از شیخ عماد الدین که ستمه فرزند یکی قباد الدین  
 محمد و از ایشان یک فرزند شیخ شهاب الدین المعروف نور شاه در جوانی فوت شد - سده دوم  
 شیخ محبوبه از ایشان یک فرزند میان منگایا شاه اسید و از اولاد سیاه سیم و ششم  
 شیخ محمد باقر - از ایشان یک فرزند شیخ رکن الدین و از ایشان یک فرزند میان بابا  
 محمد انشا الله تعالی اولاد بسیار - ذکر اولاد شیخ فتح محمد بن شیخ کبیر کمال انصاف که یک  
 دانست شیخ صدر الدین محمد صاحب اولاد - بدو که شیخ صدر الدین محمد بن شیخ فتح محمد چهار  
 فرزند داشت - یکی شیخ عبد الباقی دوم شیخ اسماعیل شهید سوم شیخ شهاب الدین  
 چهارم شیخ شمس الدین اولاد - ذکر اولاد شیخ عبد الباقی بن شیخ صدر الدین محمد بن شیخ  
 صدر الدین محمد سه فرزند داشت - یکی شیخ فتح محمد دوم میان عبد الرحیم سوم محمد حکیم  
 و از شیخ فتح محمد یک فرزند عنایت شاه مکی و از میان عبد الرحیم چهار فرزند یکی میان  
 برادر شاه دوم میان ولد یک شاه سوم میان مسلم شاه چهارم میان محمود شاه در  
 صورتی فوت شده - و از میان بهاون شاه یک محمود شاه دوم میان فتح شاه سوم  
 میان مسلم شاه و از میان جیون شاه یک میان جادو شاه و از میان سردار شاه  
 یک فرزند ابراهیم شاه و از ایشان میان محمد الدین که و از ایشان که شاه -



سه فرزند یکی میان الدین شمس و هم حسن شاه سوم غیاث عثمان شاه و از میان  
بیادر شاه چهار شاه یک فرزند میان خورشید شاه و از میان ولایت شاه دهم و  
فرزند میان کریم شاه و میان یار شاه و از میان سلیمان شاه بیست و یک فرزند یکی میان  
بیادون شاه دوم میان جیون شاه سوم میان گلده شاه و از میان محمد بن محمد بن محمد بن محمد  
بن شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد بداند شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد  
بن شیخ فتح محمد سه فرزند داشت یکی شیخ صدر الدین دوم برهان الدین محمد سوم  
شیخ شمس الدین و شیخ صدر الدین محمد بن اسماعیل سه فرزند داشت یکی میان  
شرف الدین دوم میان فیض الدین سوم سکو شاه در طغلی فوت شد و از میان  
شرف الدین سه فرزند داشت یکی شرف شاه دوم میان صدر الدین سوم میان  
سیف الدین چهارم میان مام الدین میان فیض الدین شاه بن شیخ صدر الدین محمد  
یک فرزند داشت میان فتح شاه از ایشان بداند شیخ برهان الدین محمد بن شیخ  
اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد یک فرزند داشت میان سلیمان شاه و از ایشان  
دو فرزند داشت یکی میان برهان الدین محمد و از ایشان میان نور شاه و در میان  
عین شاه - ذکر اولاد شیخ شمس الدین - ذکر بن شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد  
بداند شیخ شمس الدین بن شیخ اسماعیل بن شیخ صدر الدین محمد سه فرزند داشت



یکی میاں سلطان الاولین دروم میاں قائم الدین محمد الاول سیوم شمس الدین و از میاں سلطان  
 محمد دو فرزند یکی میاں ناصر شاہ دوم میاں محمد شاہ و از شیخ میاں قاسم بن ابی  
 بیان اولاد شیخ نجیب الدین سردار الدین محمد دو فرزند داشت - یکی شیخ قطب الدین  
 شیخ ملایک الدین الاولاد شیخ نجیب الدین محمد بن شیخ قطب الدین پنج فرزند داشت یکی میاں  
 نجیب الدین محمد المعروف میاں گل شاہ دوم میاں ناصر شاہ سوم میاں سلطان شاہ  
 چهارم میاں محمد عارف الاولاد پنجم میاں شیخ الاسلام بن شیخ قطب الدین محمد شریف  
 فرزند داشت یکی میاں رکتم الدین محمد دوم میاں شرف الدین محمد سیوم میاں  
 قطب الدین محمد چهارم میاں گل شاہ پنجم میاں ناصر شاہ - از میاں رکن الدین محمد  
 بن شیخ الاسلام یکی میاں پسر شاہ دوم میاں سلطان شاہ و از میاں شرف الدین محمد  
 بن شیخ الاسلام یکی میاں نصرت شاہ دوم میاں عطر شاہ سوم میاں محمد شاہ  
 شاہ چهارم میاں واند شاہ و میاں محمد زماں مینو اند - و از میاں قطب الدین  
 محمد بن شیخ الاسلام یکی میاں مبن شاہ فوت شده دوم میاں محمد بن دلفی  
 فوت شده و از میاں گل شاہ و از میاں ناصر شاہ محمد بن شاہ دوم میوه شاہ در  
 طغنی فوت شده - ذکر اولاد آفرین الدین بن شیخ شمس الدین بن شیخ کبیر کلاں  
 یک فرزند داشت دو فرزند داشت یکی میاں شیخ محمد دوم میاں شیخ کبیر محمد



د شیخ محمد آفریاد الدین بن شیخ شمس الدین یک فرزند داشت میاں شیخ شمس الدین

د از ان میاں دو فرزند یکی شیخ محمد المعروف میاں جیو بی لاولد دوم میاں آفریاد الدین

د از ان میاں میاں شیخ حاجی محمد و میاں شیخ کبیر آفریاد الدین دو فرزند داشت یکی

میاں المعتمدی دوم میاں میان الدین د از ان میاں سه فرزند یک میاں غلام شاه

دوم حیدر شاه لاولد سوم میاں فاکم شاه لاولد د از میاں غلام شاه شیخ

الیه یار ستر فرزند یک میاں جیو بن شاه در لعلی فوت شاه دوم میاں عاشق

شاه سوم میاں فاضل شاه د از میاں عاشق شاه بن غلام شاه دو فرزند

یک میاں کبیر بخش دوم میاں د از میاں فاضل شاه بن غلام شاه

یک فرزند ذکر اولد و خورشید خلیل بن شیخ عماد الدین مکر - بعد از خورشید خلیل بن

شیخ عماد الدین مکر دو فرزند داشت یکی میاں مونک شاه دوم میاں محمد الدین

د میاں مونک شاه بن خورشید خلیل سه فرزند داشت یکی میاں ابراهیم المعروف

میاں محمد بن محمد میاں رکش الدین المعروف میاں محمود سوم میاں عثمان

و میاں شهاب الدین بن مونک شاه چهار فرزند داشت یکی میاں محمد دوم

میاں عبد الدین سوم میاں مدیران یک فرزند داشت میاں محمد شاه چهار فرزند

شاه جمال و میاں رحیم الدین بن میاں مونک شاه دو فرزند داشت



یکه میاں السد و ایادوم میاں جمال الدین محمود و میاں عزیز الدین میاں شهاب الدین فرزند داشت  
یکه میاں ششم علی دوم میاں محمد حسین چهارم میاں بوجہ پنجم میاں السد و ایادوم  
میاں ششم علی یک فرزند داشت میاں سلیم و از ایشان میاں مصطفیٰ و میاں شاه جمال بن  
میاں شهاب الدین محمود میاں مونگہ شاہ فرزند داشت یکه میاں عبد القی لا ولد دوم  
میاں عبد الشکور سوم میاں عبد الغفور چهارم میاں عبد الوہود پنجم میاں عبد المجید  
و از میاں عبد الشکور میاں شاه جمال یک فرزند داشت میاں ششم حسین از ایشان  
میاں شاه جمال از میاں عبد الغفور بن شاه جمال سه فرزند داشت یکه میاں عبد الثانی  
دوم میاں فیض اللہ سوم میاں عبد اللہ المعروف میاں شاه جمال دو فرزند داشت یکه میاں  
عبد حمزہ المعروف میاں مراد شاہ دوم میاں رحمت اللہ و از میاں عبد المجید المعروف میاں مراد  
بن شاه جمال چار فرزند داشت میاں سائیں لا ولد و میاں عبد العزیز لا ولد و میاں عبد المعروف  
و میاں عبد الخالق لا ولد و از میاں عبد المعروف بن عبد المجید سه فرزند داشت یکه میاں  
حمزہ شریف دوم میاں حمزہ لطیف سوم میاں حمزہ طریف لا ولد و از میاں حمزہ شریف سه فرزند  
داشت یکه میاں حمزہ طریف لا ولد دوم میاں حمزہ طریف لا ولد سوم میاں لطیف اللہ صاحب  
لا ولد میاں شاه جمال دوم میاں ششم حسین بن عبد الشکور دو فرزند داشت یکه میاں  
عبد الشکور و از ایشان میاں راجہ شاہ و از ایشان شاه جمال دوم میاں گل شیر از ایشان





صحبت و اثرت بابا محمد باقر و ایثار محبت و است بابا امین العابدین و ایثار صحبت را  
 بابا آیت الله و ایثار صحبت و اشتند با پدر خود با حضرت علی مرتضیٰ رضی الله عنها و ایثار صحبت  
 با حضرت محمد مصطفیٰ امی الدین علیه السلام و اما آنچه شیخ معروف میر سید شیخ سید داؤد  
 طائی و ایثار صحبت و اشتند با حبیب عمر و ایثار صحبت و اشتند شیخ حسن لهری  
 و ایثار صحبت و اشتند با حضرت علی کرم الله وجهه و ایثار صحبت و اشتند با حضرت  
 محمد مصطفیٰ علیه السلام و علی آل طیبین و الطاهرین و اصحابه و سلم بر حجتک یا الرحمن  
 تذکر و وفات شیخ بیاض الدین زکریا شیب جمع وقت صبح بیت و هفتم ماه رمضان  
 المبارک سال شش صد و شصت و شصت هجری ۴۴۴ و وفات حضرت خردم شیخ  
 صدر الدین عارف بالله روز چهارشنبه بیت سوم شهر ذوالحجہ سال شش صد  
 و شصت و چهار هجری ۴۴۴ و وفات شیخ رکن الدین ابو الفتح فیض الله  
 بمجموع هفتم شهر جمادی الاول سال هفت صد و شصت پنجم هجری ۴۳۵ و وفات  
 شیخ عماد الدین اسماعیل شهید روز ششم هجری کمال و وفات حاجی الحسین  
 شیخ صدر الدین حاجی سال هفت صد و شصت و شصت هجری ۴۴۴ و وفات  
 شیخ رکن الدین اسماعیل سمرقندی سال هفت صد و یک و شصت و وفات  
 شیخ عماد الدین و وفات شیخ صدر الدین حیدر شب ششم و وفات





دو فرزند یکے فلانم الدین و از ایشان میاں تاج محمد دوم میاں عبدالسلام المعروف میاں عبداللہ بن  
 اسماعیل بن میاں مبارک دیں یکے فرزند داشت میاں عبدالکیم و میاں عبدالسلام بن  
 میاں طیب چار فرزند داشت یکے میاں ششم دوم میاں غلام علی سوم میاں رکن الدین  
 چہارم میاں عبداللہ از میاں رکن دین دو فرزند داشت یکے میاں عبدالرسول دوم میاں  
 عبدالسلام و میاں شاہ عبداللہ دو فرزند داشت یکے میاں طیب المعروف میاں سادو  
 میاں شاہ غلام محمد بن شاہ عبدالقادر بن شہاب الدین بن شاہ زمان بن شاہ  
 حسام الدین بن شاہ فتح اللہ بن شاہ رکن الدین بن شاہ عبداللہ بن شاہ یوسف بن

شیخ عابد الدین :

ذکر شیخ شہر اللہ بن یوسف شاہ شیخ عابد الدین محمد شیخ شہر اللہ بن یوسف شاہ  
 سے فرزند داشت یکے شیخ بہاؤ الدین زکریا اولاد و ایشان مفصل بالذو شہ شہ دوم  
 شیخ صدر الدین سوم شیخ اسماعیل کمال بیان کردہ می شود شیخ صدر الدین بن شیخ  
 شہر اللہ بن یوسف شاہ سے فرزند داشت یکے ابابکر دوم علی شہ سوم شمس الدین  
 و ابابکر بن شیخ صدر الدین پنجم فرزند داشت یکے میاں عابد الدین دوم میاں شہاب الدین  
 سوم قطب الدین چہارم میاں بُرہاں الدین پنجم میاں فتح محمد و از ایشان میاں پیر خواجہ  
 علی شاہ سے فرزند داشت یکے میاں عالم شاہ دوم میاں محمد حسین سوم میاں

ابن شاہ چار فرزند داشت یکے میاں محمد شاہ دوم شیخ کالا س فرزند داشت یکے  
 میاں یعقوب شاہ دوم نبی شاہ سوم خورشید شاہ و میاں آبن شاہ بن پیر خواجہ چار فرزند  
 داشت یکے متحن از الیثاں جیون شاہ دوم دالم شاہ از الیثاں گل شاہ و محمد مقیم  
 سوم فتح محمد از الیثاں محبوب شاہ و فضل شاہ چارم خاکی شاہ و جویں شاہ بن عبد الرحمن  
 دو فرزند داشت یکے عارف شاہ دوم محب شاہ و حسین شاہ بن پیر خواجہ دو فرزند  
 داشت یکے میاں شہر اللہ دوم کرم اللہ شہر اللہ بن محمد حسین یکے فرزند داشت یکے  
 جمال شاہ از الیثاں شش فرزند یکے میاں ناروق دوم میاں عبد الرسول سوم  
 محمد مفیط چارم شیخ کبیر پنجم شیخ محمد ششم رکن الدین کرم اللہ و محمد حسین  
 دو فرزند داشت یکے بدھ شاہ دوم میاں اللہ دین و از میاں بدھ شاہ یکے میاں  
 غلام بہاؤ الدین دوم غلام شہاب الدین سوم غلام صدر الدین و از علی محمد بن کرم اللہ  
 چار فرزند داشت یکے میاں اللہ دہ از الیثاں یکے علی اکبر دوم شیخ احمد صدر الدین  
 سوم رکن الدین چارم پیر خواجہ :

ذکر اولاد شیخ اسماعیل بن شہر الدین یوسف شاہ بدائلہ شیخ اسماعیل بن شیخ  
 شہر اللہ پنجم فرزند داشت یکے میاں عبد اللہ دوم میاں محمد شاہ سوم میاں شہاب الدین  
 چارم میاں محمد نوکتر پنجم رکن الدین و میاں شہاب الدین و شیخ اسماعیل و فرزند داشت



یک کمر اج الدین دوم عبد الرزیم و دو فرزند داشت یک شہاب الدین المعروف راجے شاہ میاں  
 شہاب الدین چار فرزند داشت یکے شیخ علی دوم فتح چہ از الیشاں میاں مصری از الیشاں  
 میاں دیبا سوم میاں ضیا الدین چارم نذر چہ او شیخ عالی بن شیخ شہاب الدین پنج فرزند  
 داشت یکے شاہ سلیمان دوم میاں جمیل سوم میاں سمانیہ چارم عبد السلام پنجم عبد الباقی  
 و شاہ سلیمان بن عالی چار فرزند داشت یکے میاں سکھن لکھا دوم میاں سلطان المخر  
 شہاب الدین سوم میاں پارسیم چارم بدایت اللہ لاوار والیشاں سکونت دارند  
 ذکر اولاد یوسف المعروف لال عین قتال بن شیخ بہا الدین بن شیخ نشتر اللہ  
 فرزند داشت یکے احمد شاہ دوم حامد شاہ سوم محمد شاہ از الیشاں یکے فرزند علی اکبر بن  
 محمد شاہ فرزند داشت یکے شاہ عبد اللہ دوم یوسف شاہ سوم ہون شاہ از الیشاں  
 دو فرزند یکے شاہ اسماعیل دوم میاں محمد شاہ و یوسف شاہ یکے فرزند داشت  
 میاں فیض اللہ شاہ از الیشاں دو فرزند داشت یکے میاں علی اکبر دوم میاں  
 ولی داد و میاں شاہ اسماعیل چار فرزند داشت یکے میاں غریب شاہ دوم میاں  
 عنایت سوم میاں ولایت شاہ چارم میاں امین شاہ و میاں محمد شاہ یکے  
 فرزند داشت یکے میاں شیم محمد علی اکبر  
 ذکر اولاد شیخ صدر الدین عارف باللہ نوشتہ است بعد ولاد اولاد اوران

ایشان نوشتمے شود ذکر اولاد مولانا قدوة الدین شیخ بہاؤ الدین ذکر یا قدس سرہ  
 بدانکہ مولانا قدوة الدین بن شیخ بہاؤ الدین ذکر یا سہ فرزند داشت یکے شیخ عدو الدین  
 عدلہ دوم لہر الدین سوم مولانا نور الدین و شیخ عدو الدین عدلہ یکے فرزند داشت  
 شیخ موسیٰ و شیخ لہر الدین سوئم یکے فرزند داشت شیخ صدر الدین و از ایشان شیخ  
 فیض اللہ و مولانا نور الدین سہ فرزند داشت یکے میاں نجیب دوم بہاؤ الدین  
 سوم عبدالرحمن و شیخ موسیٰ بن عدلہ عدو الدین دو فرزند داشت یکے میاں  
 داؤد دوم میاں ابوالقاسم و میاں داؤد بن شیخ موسیٰ دو فرزند داشت یکے میاں  
 عبدالمومن دوم شیخ محمد و میاں ابوالقاسم بن شیخ موسیٰ سہ فرزند داشت یکے میاں  
 بُدھا دوم میاں جلال الدین سوم میاں قدوة الدین و میاں شیخ محمد بن میاں  
 داؤد پنچ فرزند داشت یکے میاں ادیس دوم میاں شیخ رکھا سوم میاں شیخ نکھا  
 چہارم لہر اللہ پنجم میاں حبیب اللہ و میاں جلال الدین بن ابوالقاسم سہ فرزند  
 داشت یکے میاں یوسف المعروف شیخہ دوم مولانا طالب سوم میاں و  
 میاں قدوة الدین یکے فرزند داشت میاں نجم الدین و از ایشان دو فرزند یکے کمرہ  
 دوم میاں نوح بن و از ایشان یکے فرزند میاں نجم الدین و از ایشان یکے فرزند  
 میاں فیض اللہ و از ایشان میاں عبداللہ و از ایشان عبدالرزاق میاں اللہ و



پیش از بن و در شجره نوشته اند ذکر "اولاد مولانا شمس الدین بن شیخ بہاؤ الدین  
 از لہریا پیا فرزند داشت یکے مولانا نور الدین دوم مولانا عبد الغفار سوم مولانا بہاؤ الدین  
 چہارم مولانا حسن الدین و بہاؤ الدین بن شمس الدین پنجم فرزند داشت یکے مولانا  
 قدوة الدین دوم ابو الحسن سوم شہر خستین بن شیخ موسیٰ پنجم مولانا فخر الدین و مولانا  
 فخر خستین بن بہاؤ الدین چہارم فرزند داشت یکے عمر شاہ دوم سید زرق سوم میاں عیسیٰ  
 چہارم عبد الوہاب از انبیاں یکے فرزند داشت شیخ ابو الفتح و شیخ موسیٰ بن شیخ  
 بہاؤ الدین و فرزند داشت یکے مولانا شمس الدین و از انبیاں میاں فیض اللہ  
 و از انبیاں میاں جوہر شاہ و از انبیاں بہاؤ الدین و از انبیاں ابو الفتح و دوم بہاؤ الدین  
 و شہر اورس یکے فرزند داشت شیخ ابراہیم کہ فرزند داشت یکے مبارک شاہ  
 دوم عبد الرحیم فیض اللہ و از انبیاں و فرزند داشت پیر شاہ و سائیں دتہ و اللہ  
 بن شمس الدین بن شیخ بہاؤ الدین اگر گریہ قدس سرہ و فرزند داشت یکے حاجی سہود  
 و از انبیاں یکے فرزند محبوب نعاہ دوم میاں عیسیٰ و میاں محبوب پیر شاہ بن حاجی  
 سہود چار فرزند داشت یکے شیخ عیسیٰ دوم شیخ رضی الدین سوم سید الدین چہارم  
 ابابکر شاہ و شیخ عیسیٰ بن محبوب شاہ فرزند داشت یکے لہر الدین دوم  
 میاں نور الدین و از انبیاں عبد الجلیل و از انبیاں ابو الفتح و رضی الدین بن محبوب شاہ

دو فرزند داشت یکده و حیدر بن شاه دوم پسر شاه و از ایشان محبوب شاه و محبوب شاه  
 سه فرزند داشت یکده بایزید بن شاه و شمس الدین بن شاه و از ایشان میان حیدر شاه  
 و از ایشان منصور دوم میان صاحب جیو سوم میان حسن جیو و کت اولادش بایزید  
 بن بایزید بن زکریا یک فرزند داشت قطب الدین از ایشان دو فرزند یکده میان  
 چچو شاه و از ایشان فیض الله دوم و عطاء الله از ایشان سه فرزند یکده میان نعمت الله دوم میان  
 خورشید شاه سوم ابوالریکات از ایشان یک فرزند گوهر شاه از ایشان دو فرزند یکده شمس الدین  
 دوم آرزوی شهید و آرزوی شهید دو فرزند یکده دولت علی دوم فتح مهر از ایشان میان  
 آرزوی و از ایشان عبدالکلیم سه فرزند داشت یکده شیخ عثمان دوم آرزوی سوم  
 میان نعمت الله و کت و ربان اولاد مولد و الله و الدین بن شیخ بایزید بن شاه و الله و الدین بن شاه  
 یک فرزند داشت جلال الدین مهر و از ایشان ابوالخیر از ایشان ابوالقاسم از ایشان  
 حضرت شاه سه فرزند داشت یکده شیخ موسی یک فرزند داشت عبداللہ شاه المحم  
 و کمن شاه و از ایشان سه فرزند یکده ابابکر شاه و شیخ سکا سوم مهر شاه از  
 ایشان یک فرزند معین الدین و از ایشان ابوالقاسم تحت التمت بالخیر تا این قدر  
 ذکر اولاد ایشان در درخت که شجره خوانندیم رسیده که نوشته است شد  
 و ذکر اولاد یزدان الدین و ضیاء الدین ابن دو فرزند بایزید بن شاه و الله و الله و الله



تمت بالحق شجرة سجاد نشین که بانه مریدان قدوة لوالیین حضرت مخدوم شیخ

بہاؤ الدین زریا نوشہ نے دیہندہ ہیں است و کفن میت مریدان می نہند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي فضّل الأبناء بالمعجزات وكرم الأولياء بالكرامات واصل

العبادة بكثرة العبادات يا علي الدرجات والصلوات والسلام

سيد العالمات ومقصود المواهب احمر محبتہ محمد مصطفیٰ اسلم

وعلى اله الطيبات واصحابه ذوالبركات انا فيقول العبد المفتقر الى

الغنى الوفي خادم الفقراء مخدوم شیخ بہاؤ الدین ثانی قریشی کہ پوشانند

من برادر دینی و محبت یقینی نعل بن نعل بن نعل وقعہ الدلعالی برکات مراد

الدین و انتائی سنن سید المرسلین خرقہ مشائخ صونیہ را کہ پوشیدم من علم خود

شیخ الاسلام مسلمین مخدوم شیخ و مرغونہ قریشی داد پوشیدہ خرقہ را از پدر

خود مخدوم شیخ و مرغونہ مراد زمان قریشی ایشان پوشیدہ خرقہ از علم زاده

خود مخدوم شیخ و مرز کربا قریشی ایشان پوشیدہ خرقہ از علم زاده خود شیخ و مراد

شیخ کبیر قریشی ایشان پوشیدہ خرقہ از برادر خود شیخ و مراد قریشی ایشان

پوشیدہ خرقہ از پدر خود شیخ الاسلام مسلمین شیخ بہاؤ الدین ثانی

قریشی الیثاں خرقہ را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین شیخ محمد تائم قریشی الیثاں پوشیده  
 فرقه از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین شیخ منیر قریشی الیثاں پوشیده فرقه از پدر خود  
 شیخ الاسلام و مسلمین شیخ بہاؤ الدین قریشی الیثاں پوشیده فرقه از پدر خود شیخ  
 الاسلام و مسلمین صاحب وجود تقوی شیخ شہر اللہ قریشی و الیثاں خرقہ را  
 پوشید از برادر زاد خود شیخ الاسلام و مسلمین تدوۃ العارین شیخ برزخ الدین  
 اسماعیل بن شیخ یحییٰ قریشی و الیثاں پوشید خرقہ را از عبد نرگوار خود شیخ یوسف  
 قریشی و الیثاں پوشید خرقہ را از شیخ عماد الدین قریشی کسبی بہر و الیثاں پوشید  
 خرقہ را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین شیخ رکن الدین اسماعیل سمرقندی  
 قریشی و الیثاں پوشید خرقہ را از پدر خود شیخ الاسلام و مسلمین حاجی الحرمین  
 اشریفین شیخ صدر الدین و الیثاں پوشید خرقہ را از دو جانب از پدر خود  
 شیخ الاسلام المسلمین شیخ عماد الدین اسماعیل شہید قریشی دوم از  
 عم خود شیخ الاسلام و مسلمین مفتاح العلوم حق الیقین مخدوم رکن الدین  
 و ابوالفتح فیض اللہ قریشی و الیثاں پوشید خرقہ را از پدر خود شیخ الاسلام  
 و المسلمین تدوۃ العارین مخدوم شیخ صدر الدین عارف باللہ قریشی  
 و الیثاں پوشید خرقہ را از پدر خود شیخ الاسلام و المسلمین



منة المجتهدین داشت. انبیا و المرسلین خدم شیخ بهاء الدین از ریاً قریشی قدس سره  
 و انبیا پوشیده خرقه را از شیخ پیر خود شیخ الشیوخ شیخ بهاء الدین و به عبد الله  
 برادر شیخ پوشیده خرقه را از شیخ خود شیخ منیا الدین ابو حنیف برادر شیخ  
 سهروردی انبیا پوشیده خرقه را از شیخ خود شیخ رجب الدین ابو الفتح  
 عمر بن عبد الله سهروردی انبیا پوشیده خرقه را از پدر خود شیخ عبد الله المحدث  
 بجمویر انبیا پوشیده خرقه را از شیخ اخای فرخ زنجانی دوست یکے ازین دو  
 بزرگوار شریعت داشت و یکے برادر خرقه نانا خرقه را پوشیده از شیخ احمد اود  
 علو بنوی و انبیا پوشیده خرقه را از سید الطائفة شیخ ابوالقاسم جنید بغدادی  
 و از طرف دوم پوشیده خرقه را از شیخ اخای فرخ زنجانی و انبیا پوشیده خرقه را  
 از ابوالقاسم نهارندی و انبیا پوشیده خرقه را از شیخ عبد الله حفص و انبیا  
 پوشیده خرقه را از شیخ محمد و انبیا پوشیده خرقه را از شیخ ابوالقاسم جنید بغدادی  
 و شیخ جنید بغدادی صحبت داشت بخوان خود شیخ سری سقانی انبیا  
 صحبت داشت با شیخ معروف سقانی و انبیا صحبت داشت با امام علی قزوینی  
 ریاض و انبیا و انبیا صحبت داشت شیخ کرمی و انبیا صحبت داشت  
 با امام علی موسی و انبیا صحبت داشت با امام موسی کاظم و انبیا

رانے گشتند اگر کسی میل صحبت الیساں کردی در وی در ارادت در خدمت  
 الیساں آوردی اول حفظ قرآن مجید کردی و صله حیات همیشه نمودی  
 آن زمان در ارادت الیساں آمدی بعد از آن برگزیدیل دنیا نه کردی  
 و این جانب خانه نه کردی و به شهر قریه والاف نه کردی و بکوه  
 و بیابان جگر فتنه و لباس پلکس و اثرده پوشیده بلکه کوشش از برگزیدیل  
 بودی و طلب رزق از کسی نه کردی اگر فتوح آمدی قبول کردی  
 صرف فقراء از غریبه نمودندی و برای نفس خود خرجی نه کردی و الیساں  
 سلیم القلب خوردی اند اگر کسی الیساں را آوردی از بیابان گرفته و با غلام  
 خود کردی خدمت الوجہی اگر کسی الیساں را با فروختی دم نه کردی و عیادتش  
 اقبال نمودندی و دم خانوادہ عیاض به شینہ فضل عیاض دے پرندہ  
 سیرت عیاضیاں آنکند دائم الدورات مسافر باشد و اقامت ندارند و در  
 خانہ نیائید وزن نه کنند و خرقہ پیوندی پوشیده ہر پارچہم در راجہ افتادہ باشد  
 غازی کنند و بر خرقہ خود وصل دهند و بے پوشند و ہر جا کہ شرب افتد بخدا  
 مشغول بودہ ہما جا بیگنہ راند اگر خوردنی بوجود شود دے خوردند چوں میوم  
 شود فی الحال پا بہر نہ رواں میشوند و از فی بعد از میوم روزی کنند



کہ ہوں شیخ حسن لہری کمال صفت و پیری رسیدند فرقہ خلدت بدو کس گمانہ  
 از زانی فرودند یکے شیخ عبد الواحد بن زید بن شیخ حبیب عجمی این دو کس  
 گمانہ روزگار و پیر بدو مار مریدان خود بودند و چارہ خانوادہ شیخ حسن لہری میرند  
 پنجم خانوادہ از شیخ عبد الواحد بن زید اول زیدیاں دوم عیاضیاں سوم ادبیاں  
 چہارم ہسریاں پنجم چستیاں و نہ خانوادہ از شیخ حبیب عجمی یکے چستیاں  
 دوم طیفوریاں سوم کرخیاں چہارم سقلیاں پنجم حبیبیاں ششم مازونیاں  
 ہفتم موسیاں ہشتم فردوسیاں نہم سہروردیاں پس حجرچہ چارہ خانوادہ  
 ۷۷ شود پس شنبہ از نسبت شمال الی ثانی بشموند مدائکہ عبد اللہ بن عوف  
 پنجم تن بودند مرید شیخ عبد الواحد بن زید کہ اعتقاد و عقیدت لہدق  
 آوردند و خود را بدو سپردند و این پنجم تن بر یکے از خود فانی و بادوست باقی  
 و خود را در خود محو دیدند و شیخ عبد الواحد بن زید این پنجم تن را خلدت دار  
 طریقہ الثیابین است کہ ہر یکہ حافظ مکرم اللہ ہو گزند و علم کلی داشتند  
 و خلوت و ربیبان مے نمودند قائم اللیل و صائم الدین بودند و افطار بمیوہ  
 کنار ماورج غل بیابان بودہ است و طریقہ ولی این است شنبہ در روز  
 صائم بودند و ہرگز صاحب جاں را بے جاں نے کردند چنانچہ سہیل و کثوم



و بجہا نقد نے خورند اہل ریاضت و مجاہدہ سے باشندہ کے نیامینند  
والسعادت مندی تاقین و ارشاد از لہ نبدگی الی شای دشتہ باشد اول تبرید  
رناوہ شفا خود سازد و اہل عیال را بخدا سپارد و دادے نیاز بدرگاہ  
بے نیاز آرد تالائی شرف ارادت الی شای شود خانوادہ سیوم ادہمیان  
سلمان ابراہیم اوہم ہیوند و تبرید و تغیر و گیانگی و بکیدی بواقعہ گنبد  
و در سفر غرقہ حذر کر جل گوید و ہر چہ فتوح از ہر ولد است ے رسا و الی شای  
رسد بفقرا و مساکین از و دلہف نمایند و طویل مہمان خود را در دست  
لقمہ خوردند تا امشب زندہ دارند خانوادہ چہارم ہیرہ باشند ہیرہ  
لہری ہیوند حسن سیرت الی شای خباخہ و شہر قریہ جابگند و خرابہ  
بیابان باشند و کل الی شای بنہ گیاه و ثمر اشجار خلیل و شراب از حیث  
بیابان باشند و شہب و روز با و فو باشند و فتوح بر گز قبول نہ کند  
و گونید کہ نام خدا را بخوانی ہرستیم نہ برائے حیفہ ہر دار خانوادہ پنجم  
چستیم بہ شتیہ شمشاد و علو نیوری ہیوند و چستیال از شتیہ ابواسحاق  
چستی است و چیت در ادرند یکے از ولد است فرامان  
شہر لیت دوم از ولد است ہندوستان در آنتہ نلتان قریہ لیت



و شیخ ابوالاسحاق حقیقی از شمام است و ایشان را ابو الاسحاق شامی میگویند  
و چسپت کفر بوده است ایشان در اسلام آوردند و خواجگان پنجتن  
را در چسپت خوانند اما شمم از سیرت ایشان این است که در شهر  
قریه خانه بنا کنند و خلق را در طوت از راه باطل بسوئے حق کنند و اهل مال  
از دنیا دوری خوانند اهل دنیا الفت نه گیرند و ریاضت و می مجاهده شعار  
نمود سازند و بفرقه و نایقه موافقت دارند و به صحبت فقرا و مسکین  
خوش می باشند و اهل سمارا دوست می دارند و طعام و آب  
بدرست خود با ایشان رسانند و انبیاء را با لقا و حاجت دهند نه خانوان  
جیب میسر و ب جیب عجمی است و این دو تن بودند از اصحاب عبدالکریم  
بن عوف مبارک بن حمزه بن عبدالرحمن دو کم الدین اب جهم بن حمزه  
بن عبدالرحمن بن عوف بن برادر واقعی و صاحب الناس بودند  
و مرید جیب عجمی شدند خلوت و عزلت اختیار کردند و خود را  
جیبها گونید نسبت پدر و جد و شتر خود کردند و برادر را خدمت  
دادگشت و در دامن کوه برادر برود و آنجا بخدا مشغول باشند  
و آمیزش مردم نه کنند و صاحب الدین باشند از بهجت روی یک

فرما افطار کنند زیاده از سه خرمة تناول نه کنند و بامروزه قیام کرده باشند  
 و دوازده سال در گرد کوه را با مستقامت نخیال مشغول خوانند بود  
 چست در روز اکل و شرب نه کنند و در محافل حضار نه فرمایند و فتوح  
 قبول نه کنند و ده میوه دانه بیابان و گیاهی کوستان بعد است یکروز  
 یکورید که راکه داعیه ارادت و لذت است ایشان به شادی  
 اول با نعال ندور قیام واقعت میگردند بعد از شرب ارادت  
 و بیعت صحبت فیض محبت و با ارادت خدمت عالی  
 در جت شرف شادی خانواده و هم در طیفوریه یا سلطان العائین  
 به پیوند و آن چهارتن بودند به شینم مسعود دوم شینم محمود سوم  
 شینم ابراهیم چهارم شینم لقا و شینم مسعود طغوریه خرقه شکر پاره  
 که آنرا تمسجیم گویند در بر کرد و شینم ابراهیم خرقه محمود خرقه  
 هزار رشته که هزار خرقه مخی گویند در بر کرد و شینم ابراهیم خرقه خدمت  
 پاره مربع در بر کرد و شینم احمد خرقه صوف در بر کرد بر یک پیراه  
 حق نهاده بعد روز روز افطار می کردند و بیچ حاکم از راه نمی دادند  
 و از دنیا و اهل دنیا گریزان بودند و در امور دنیای ایشان نبود